گزارش

درخواست از کانون وکلای دادگستری

ادامه از صفحه اول

دراین‌میان انتظار آن بود که به‌سرعت و با هوشیاری کانون وکلای کشور اعم از کانون وکلای مرکز و کانون وکلای دیگر استان‌ها، مسئولانه به‌عنوان نهادی مدنی که حفظ حقوق شهروندان ایرانی را در سرلوحه فعالیت‌های خود قرار داده، واکنش درخوری نشان دهند و دامن کانون وکلا را از چنین فعالیت‌هایی مبرا کنند. خوشبختانه کانون وکلای استان کرمانشاه و آذربایجان غربی و ایلام دراین‌باره به صورت معقول و موجهی اعلام موضع کردند. پیشنهاد می‌شود کانون وکلای مرکز و دیگر شعبه‌های کانون وکلا در رد و نفی چنین بیانیه‌ای واکنش نشان دهند و خواستار برخورد قاطع کانون وکلای آذربایجان شرقی با موضوع شوند. یکی از نکات جالب این بیانیه این است که کمیسیون حقوق بشر کانون وکلای آذربایجان شرقی درباره آوارگان کرد عراقی مستقر در استان دیگر یعنی استان آذربایجان غربی بیانیه صادر کرده و به‌عنوان برادرخوانده مبحث نادرستی را منتشر کرده است اما کانون وکلای آذربایجان غربی با رد ادعای مطرح‌شده، موضع معقولانه‌ای اتخاذ کرده است. بدیهی است که بی‌تفاوتی در برابر چنین رویدادی وجاهت و اعتبار صدساله کانون وکلای کشور را هدف قرار می‌دهد و در عرصه سیاسی و اجتماعی هم بر تفرقه و شکاف اجتماعی دامن می‌زند. امید است که دوستان و عزیزان کانون وکلای مرکز و استان آذربایجان شرقی با صراحت و دقت و صلابت در برابر چنین بیانیه‌ای واکنش درخوری داشته باشند.

اقتصاد سیاسی جعل و جَلد؛ وقتی رسانه به ابزار تبانی بدل می‌شود

ادامه از صفحه اول

این روند در حوزه‌های فرهنگ و سیاست نیز با حمله به هنرمندان، فعالان مدنی و تخریب چهره‌های دانشگاهی و کارشناسان مستقل با اتهامات کلیشه‌ای، مشاهده می‌شود. تحولات فناوری، این جریان مخرب را تقویت و پیچیده‌تر کرده است. اگر وبلاگ‌ها در دهه ۸۰ نخستین شکاف را در انحصار رسانه‌های رسمی ایجاد کردند، تلگرام در دهه ۹۰ این شکاف را به دره‌ای عمیق بدل کرد که کانال‌های بی‌نام‌ونشان با صدها هزار عضو، توانایی تأثیرگذاری بر شاخص‌های کلان اقتصادی مانند نرخ ارز و طلا را یافتند. شبکه‌های اجتماعی نظیر توییتر و ایکس، میدان جدیدی برای عملیات‌های جمعی فراهم آوردند؛ جایی که ارتشی از حساب‌های کاربری جعلی یا ربات‌ها می‌توانند در چند ساعت یک هشتگ هدفمند را به ترند اصلی کشور تبدیل کنند. اکنون، ظهور هوش مصنوعی و ابزارهای تولید محتوای خودکار، این چالش را به مرحله‌ای خطرناک‌تر وارد کرده است. امروز می‌توان در مقیاسی وسیع، اخبار جعلی یا ویدئوهای دستکاری‌شده (Deepfake) تولید کرد که تشخیص آنها از واقعیت حتی برای متخصصان نیز دشوار است.

پیامدهای این پدیده، بسیار عمیق‌تر از آسیب‌های فردی به قربانیان است. در سطح کلان، این روند به فرسایش شدید سرمایه اجتماعی می‌انجامد. جامعه‌ای که به صورت روزمره با اطلاعات ضدونقیض و شایعات هدفمند بمباران می‌شود، به‌تدریج اعتماد خود را نه‌تنها به نظام اطلاع‌رسانی، بلکه به کل ساختار سیاسی و اقتصادی از دست می‌دهد. این بدبینی فراگیر، سرمایه‌گذاران را فراری داده و زمینه را برای فرار مغزها و سرمایه‌ها مهیا می‌سازد و در نهایت، رقابت سالم را به انحصار و ناکارآمدی تبدیل می‌کند؛ چرخه‌ای معیوب که قطار توسعه کشور را از حرکت بازمی‌دارد. این پدیده البته مختص ایران نیست و نمونه‌های جهانی آن از ارتش‌های سایبری در روسیه تا شبکه‌های سیاسی در ترکیه و اخبار جعلی سازمان‌یافته در هند مشاهده می‌شود، اما در ایران، به دلیل ساختار خاص اقتصادی و نبود شفافیت نظام‌مند، آثار تخریبی آن فراگیرتر بوده است. راه برون‌رفت از این چرخه، برخوردهای مقطعی و موردی با چند کانال یا وب‌سایت نیست، بلکه نیازمند اصلاحات ساختاری و رویکردی جامع است. استقرار سامانه‌های «داده‌باز» (Open Data) که اطلاعات قراردادها، مناقصات و شاخص‌های کلیدی عملکرد شرکت‌های دولتی و خصولتی را در اختیار عموم قرار دهند، می‌تواند دست شبه‌رسانه‌ها را از اتهام‌زنی‌های بی‌اساس کوتاه کند. بهره‌گیری از فناوری‌های نوینی مانند بلاکچین برای رصد زنجیره تأمین کالاهای استراتژیک، می‌تواند کلیدواژه «قاچاق» را از ابزاری برای تسویه‌حساب خارج کند. در کنار اینها تقویت نهادهای صنفی مستقل رسانه‌ای، حمایت قانونی از افشاگران فساد (Whistleblowers) و مهم‌تر از همه، ارتقای سواد رسانه‌ای جامعه، سپری دفاعی در برابر این جنگ روانی خواهد بود. ایران امروز بر سر یک دوراهی حساس و تعیین‌کننده قرار گرفته است: تسلیم‌شدن در برابر فضای مسموم شبه‌رسانه‌ها که پیامدی جز تداوم رانت، ناکارآمدی و زوال سرمایه اجتماعی ندارد، یا حرکت در مسیر دشوار اما نجات‌بخش شفافیت، حاکمیت قانون و تقویت رسانه‌های حرفه‌ای. در جهانی که هر شهروند با یک تلفن هوشمند به یک رسانه بالقوه تبدیل شده، تنها شفافیت و قانون می‌توانند مرز میان «رسانه» و «شبه‌رسانه» را ترسیم کنند. این یک انتخاب استراتژیک نه‌فقط برای اقتصاد، بلکه برای سرنوشت ایران است.

چیزهای باارزشی که از دست می‌روند

ادامه از صفحه اول

کسانی که این متن را نوشتند و خواندند، چگونه متوجه این مسئله نشدند؟ متنی که به سه کشور با وجود تخطی‌شان این حق را می‌دهد که طرف قرارداد یعنی ایران را مجازات کنند، با دقت نوشته و خوانده نشده است.

نسل جدید که عادت کرده هوش مصنوعی برایش بنویسد و بخواند، دیگر حوصله خواندن یک صفحه را هم ندارد و اگر هم متنی بخواند، نمی‌داند مسئله چیست و متن از چه چیزی سخن می‌گوید. کمتر دانش‌آموز و دانشجویی سراغ داریم که بتواند یک صفحه از خود و جهان اجتماعی‌اش بنویسد. ناگفته نماند که استفاده کارآمد از ابزارهای هوش مصنوعی هم به پرامپت‌نویسی نیاز دارد؛ یعنی مهارت در نوشتن یک متن منسجم و روشن به شکل یک سؤال دقیق. اغلب با متون سروکار داریم. در آینده برخی از نوجوانان و جوانان بیش از بقیه با متن سروکار خواهند داشت؛ متن‌هایی که می‌تواند سرنوشت افراد و حتی جامعه را تغییر دهد؛ متنی مانند یک پرونده پزشکی، یک پرونده قضائی یا مددکاری، یک قرارداد یا تفاهم‌نامه بین‌المللی یا یک گزارش علمی و شغلی. در گذشته مشق‌نوشتن با همه مرارت‌ها و سختی‌هایش، مهارت نوشتن و خواندن را تقویت می‌کرد، اما به جای اصلاح مشق‌نوشتن، نوشتن را برای دانش‌آموز غیراجباری کرده و تصور کردیم از رو نوشتن کاری عبث و بیهوده است؛ درحالی‌که از رو نوشتن متون جذاب و زیبا که در ادبیات کشورمان کم نداریم، مهارت خواندن و نوشتن را افزون می‌کند. امروز بیش از خواندن و نوشتن با گفتن مواجه هستیم؛ گفتارهایی که صاحبان آنها نمی‌توانند آن را به متن تبدیل کنند. کم‌مهارتی در نوشتن و خواندن، گفتارهای ما را نیز به سخنانی نامنسجم و بی‌ربط مبدل کرده که اغلب پر از قیاس‌های نابجا و تعمیم‌های نادرست است. در کتاب‌های مدرسه، البته مربوط به سال‌ها قبل، برای نشان‌دادن اهمیت نوشتن و رعایت نکات نگارشی که ممکن است سرنوشت یک فرد را تغییر دهد، مثال جالبی ذکر شده بود؛ مثالی که نشان می‌دهد اگر در متن یک ویرگول جابه‌جا شود، جان فردی ستانده یا آزاد می‌شود:

بخشش، لازم نیست اعدامش کنید.

بخشش لازم نیست، اعدامش کنید.

نوجوانان و جوانان را با افزایش مهارت خواندن و نوشتن به کنشگرانی آموزش‌دیده تبدیل کنیم که می‌توانند خود و جامعه را تغییر دهند. خواندن و نوشتن دو متاع ارزشمند هستند که نباید اجازه داد از دست بروند.

واکنش تندروها به تغییر نگاه اصولگرایان سنتی درباره حجاب:

«باهنر» زیر آتش خودی‌ها

وحیده کریمی

اظهارات اخیر محمدرضا باهنر، عضو مجمع تشخیص مصلحت نظام و چهره باسابقه اصولگرا، درباره موضوع حجاب، بلافاصله با واکنش‌های تند و حملات شدید طیف‌های تندرو مواجه شده است. باهنر که در چند سال اخیر دیدگاه‌هایی متفاوت و معتدل‌تر درباره آنچه در دهه ۸۰ از اصولگرایی سراغ داشتیم، ابراز کرده، این‌بار در مصاحبه‌ای صراحتا گفت: «من از روز اول اعتقادی به حجاب اجباری نداشته و ندارم» و تأکید کرد که قانون حجاب اجباری «لازم‌الرعایه نیست». این اظهارات در حالی مطرح می‌شود که تابستان سال جاری، اولین تابستان بدون گشت ارشاد در دو دهه اخیر را شاهد بودیم؛ مقطع زمانی که پس از یک جنگ ۱۲روزه، نگاه سخت‌گیرانه حجاب که حاصل فشار جریان‌های تندرو در مجلس بود، نه به صورت کامل اجرائی شد و نه مورد حمایت عمومی قرار گرفت. حتی بخشی از همان اقلیت معترض نیز خواهان این قانون سخت‌گیرانه نبودند. این واقعیت، نشان‌دهنده همراهی‌نکردن جامعه با رویکرد تندروهاست؛ رویکردی که حالا تلاش دارد با برجسته‌سازی مسائل حجاب، فضای جامعه را متشنج کند. باهنر همچنین در نشست خبری اخیر خود بار دیگر تکرار کرد «عده‌ای دنبال حجاب اجباری بودند اما قانون مصوب فعلی، لازم‌الرعایه نیست» و اشاره داشت که این توقف اجرای قانون با رایزنی شورای امنیت ملی انجام شده است. این نکته، بازتاب‌دهنده واقعیتی است که قانون حجاب، با دستور صریح نهاد بالادستی مجلس یعنی شورای عالی امنیت ملی ابلاغ نشده و احتمالا در آینده هم ابلاغ نخواهد شد. اما واکنش‌ها به این مواضع، بسیار تند بود و از سوی چهره‌های رادیکال و تندرو در جریان اصولگرایی به‌شدت مورد حمله واقع شد. حسین شریعتمداری، مدیرمسئول روزنامه کیهان، در یادداشتی تند نوشت: «واژه «حجاب اجباری» ساخته و پرداخته دشمنان اسلام و انقلاب است و استفاده از آن جای تأمل دارد». شریعتمداری به‌شدت به باهنر حمله کرد و تأکید داشت که شورای عالی امنیت ملی هرگز مصوبه‌ای درباره توقف قانون حجاب نداشته و این تصمیم از سوی سران قوا گرفته شده است. او با اشاره به این موضوع، موضع باهنر را نوعی تخطی از مسیر صحیح قانونی و شرعی دانست و افزود که به کار بردن چنین عباراتی در شرایط کنونی ضربه‌ای جدی به وحدت و انسجام ملی است. محمدتقی نقدعلی، نماینده اصفهان، که از چهره‌های جریان تندرو محسوب می‌شود نیز در صحن علنی مجلس گفت: «کسی که زمانی نیابت رئیس مجلس را داشته، حالا می‌گوید حجاب دیگر مستند قانونی ندارد؛ از خون برادر شهیدت خجالت بکش!». نقدعلی با تأکید بر ضرورت اجرای بی‌کم‌وکاست احکام شرع، هشدار داد که کم‌کاری و مماشات با موضوع حجاب می‌تواند به ناامنی و بحران‌های اجتماعی منجر شود. او گفت: «اگر ما به شریعت پایبند نباشیم و احکام آن را در حوزه حجاب پیاده نکنیم، قطعا ناامنی و آشوب پدید خواهد آمد». روح‌الله حریزاوی، قائم‌مقام سازمان تبلیغات اسلامی نیز با لحنی انتقادی درباره اظهارات باهنر نوشت: «باهنر باش و مصلحت‌اندیش، شرمسار باش از عاقبت خویش». این اظهارنظر نشان‌دهنده نگرانی عمیق طیف‌های رسمی و تبلیغاتی درباره تضعیف نگاه اجباری و سخت‌گیرانه حجاب است که سال‌ها به‌عنوان سیاست اصلی نظام دنبال شده است. علی نیکزاد، نایب‌رئیس مجلس، نیز ضمن مخالفت با دیدگاه باهنر، عنوان کرد: «فرمایشات آقای نقدعلی درباره درصد جمعیت حزب‌اللهی و غیر حزب‌اللهی را تأیید می‌کنیم، اما اینکه گفته شود قانون حجاب اجرا نمی‌شود، جای پرسش دارد». او همچنین تأکید کرد که قانون عفاف و حجاب مصوب مجلس خلاف شرع نیست و شورای نگهبان آن را تأیید کرده، اما به دلیل ملاحظات امنیتی و اجتماعی، اجرای آن فعلا متوقف شده است. محمدمهدی راستینه، نماینده جبهه پایداری نیز اظهارات باهنر را «تشویق برهنگی» و «تضعیف نظام اسلامی» خواند و خواستار برخورد جدی با این مواضع شد. راستینه تأکید کرد که اصل قانون حجاب و اجرای آن جزء اصول نظام است و هرگونه تغییر یا تسامح در این موضوع، خط قرمز جریان انقلابی و رادیکال محسوب می‌شود. در مقابل این هجمه‌ها، برخی معتدلان و حتی بخش‌هایی از جامعه مدنی معتقدند نگاه سخت‌گیرانه و اجباری به حجاب، نه‌تنها نتوانسته است به هدف خود برسد، بلکه باعث شکاف و تنش‌های اجتماعی شده است. باهنر با اشاره به اینکه «۱۰ درصد جمعیت ایران حزب‌اللهی هستند و ۹۰ درصد می‌خواهند زندگی کنند و آینده داشته باشند»، تلویحا به ضرورت احترام به تنوع دیدگاه‌ها و پرهیز از سیاست‌های سخت‌گیرانه اشاره کرده است. همچنین، با اشاره به اینکه قانون حجاب به صورت رسمی از سوی شورای‌عالی امنیت ملی ابلاغ نشده و رایزنی‌های این شورا باعث توقف اجرای آن شده، باید پذیرفت که فضای سیاسی و اجتماعی کشور آمادگی اجرای چنین قوانینی را ندارد و چنین تلاش‌هایی بیشتر به بحران‌زایی و بی‌ثباتی منجر می‌شود.

دراین‌میان برخی ضمن حمایت تلویحی از اظهارات باهنر، تأکید دارند که اجرای قانون سخت‌گیرانه فعلی به معنای تحمیل سخت‌گیرانه و تحمل‌ناپذیر محدودیت‌های اجتماعی است که موجبات افزایش فاصله میان حاکمیت و مردم را فراهم می‌آورد و آسیب‌های اجتماعی و سیاسی جدی ایجاد می‌کند. به عبارت دیگر، جریان تندرو با حملات شدید خود به باهنر تلاش دارد تا هرگونه صدای متفاوت درون اصولگرایی را سرکوب کند و با دامن‌زدن به شعارهای تند و خشونت‌آمیز، فضای جامعه را متشنج کند. اما واقعیت آن است که جامعه ایران امروز دیگر پذیرای سیاست‌های سخت‌گیرانه و نگاه تک‌بعدی به مسائل فرهنگی نیست و بسیاری از مردم خواهان نوعی تساهل و اعتدال در این زمینه هستند. علاوه‌براین روشن است که تلاش جریان تندرو برای تحمیل یک قانون ناقص و اجرا نشده، بیشتر به یک پروژه سیاسی تبدیل شده تا دغدغه واقعی امنیت و اخلاق جامعه. چراکه نه‌تنها این قانون از سوی بالاترین نهاد امنیتی کشور به صورت رسمی ابلاغ نشده، بلکه در عمل هم اجرای آن متوقف شده است. در نهایت، این جریان های تندرو هستند که با اعمال فشارهای افراطی، ایجاد تنش و حمله به چهره‌های معتدل و اصولگرایانی مانند باهنر، جامعه را از مسیر وفاق و آرامش دور می‌کنند و در مقابل، تلاش‌های منطقی و واقع‌بینانه برای برقراری تعادل میان رعایت احکام شرع و حفظ آرامش اجتماعی را تضعیف می‌کنند. در شرایطی که کشور با مشکلات اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی متعددی روبه‌رو است، افزایش تنش‌های سیاسی بر سر مسائلی مانند حجاب، تنها به آسیب‌دیدن آرامش و وحدت ملی می‌انجامد. اظهارات محمدرضا باهنر، هرچند مورد نقد تند جریان‌های رادیکال قرار گرفته، اما بر واقعیت‌های موجود سیاسی و اجتماعی کشور تأکید دارد؛ واقعیت‌هایی که نمی‌توان با فشار نادیده گرفت. لازم است به جای تشدید تنش و توسل به روش‌های تندروانه، راهکارهای عقلانی و مسالمت‌آمیز برای ایجاد وفاق و آرامش ملی در دستور کار قرار گیرد تا جامعه بتواند از شرایط دشوار عبور کند و آینده‌ای بهتر بسازد.

گزارش

تله زمان

ادامه از صفحه ۲

مفسر حوزه سیاست خارجی اعتقاد دارد: «صبر و انتظار ترامپ نوعی بازی زمان است؛ او می‌داند که گذر زمان در شرایط تحریم، یک ابزار فشار است. در این چارچوب، کاخ سفید با استفاده از مکانیسم ماشه و بازگشت تحریم‌های چندجانبه، در واقع می‌کوشد ایران را در موقعیتی قرار دهد که هر تصمیمش پرهزینه باشد». از نگاه این حقوق‌دان حوزه بین‌الملل: «واشنگتن به‌خوبی آگاه است که تهران تمایلی به پذیرش شروط سخت آمریکا ندارد؛ اما در عین حال، تحمل بلندمدت وضعیت اقتصادی کنونی نیز دشوار و فرساینده است». به گفته تحلیلگر ارشد حوزه بین‌الملل: «ایران اکنون در وضعیتی گرفتار شده که می‌توان آن را انتخاب میان گزینه بد و بدتر دانست یا پذیرش بخشی از خواسته‌های آمریکا در قالب یک عقب‌نشینی کنترل‌شده برای جلوگیری از بحران داخلی، یا ایستادگی کامل در برابر فشارها با خطر افزایش بی‌ثباتی اقتصادی و اجتماعی». مولایی اذعان دارد: «برخلاف تصور برخی ناظران، ترامپ در این مرحله به دنبال مذاکره فوری نیست، بلکه در پی آن است که ایران پیش از مذاکره، امتیازهای واقعی بدهد. به همین دلیل است که دولت او پس از بازگشت قطع‌نامه‌ها، در سکوتی حساب‌شده فرورفته و ظاهرا ترجیح می‌دهد اثرگذاری تحریم‌ها را بسنجد تا ببیند آیا تهران خود به میز مذاکره بازخواهد گشت یا نه». با چنین برداشتی، این مدرس دانشگاه هشدار می‌دهد: «در شرایطی فعلی، هر واکنش شتاب‌زده یا تصمیم احساسی از سوی ایران می‌تواند میدان بازی را کاملا به سود واشنگتن تغییر دهد. در مقابل، اگر تهران بتواند ضمن مدیریت بحران اقتصادی، مسیر تعامل محدود اما هدفمند با اروپا و کشورهای منطقه را حفظ کند، شاید هنوز روزنه‌ای برای جلوگیری از تشدید بحران باقی بماند».

اداره کل ثبت اسناد و املاک استان تهران
اداره ثبت اسناد و املاک حوزه ثبت ملک یافت آباد تهران
هیات موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی
آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آئین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی
برابر رای شماره ۱۴۰۴۶۰۳۰۱۰۷۸۰۰۳۹۹۵ مورخ ۱۴۰۴.۵.۲۷ هیات موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک یافت آباد تهران تصرفات مالکانه بلامعارض متقاضی آقای امید نجف آبادی فرزند جواد بشماره شناسنامه ۰۰۱۸۲۷۱۹۹۵ صادره از تهران در ششدانگ یک قطعه زمین با بنای احداثی در آن به مساحت ۶۱.۳۴ متر مربع پلاک ۱۸۳۸ فرعی از ۲ اصلی واقع در بخش ۱۲ تهران خریداری از مالک رسمی خانم فاطمه صفری محرز گردیده است . لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می شود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند میتوانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند. بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد.
م الف ۱۳۹۰۹ اداره ثبت اسناد و املاک یافت آباد (تهران)

اداره ثبت اسناد و املاک حوزه ثبت ملک رودکی تهران
هیات موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی
آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آئین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی
برابر رای شماره ۱۴۰۴۶۰۳۰۱۰۴۵۰۰۰۸۸۵ مورخه ۱۴۰۴.۰۴.۲۱ هیات موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک رودکی تهران تصرفات مالکانه بلامعارض متقاضی خانم زهرا فلاح فرزند سبزعلی بشماره شناسنامه ۴۲۸ صادره دو دانگ مشاع از ششدانگ یک قطعه زمین با بنای احداثی در آن به مساحت ۵۶.۱۱ متر مربع پلاک ۲۳۹۵ اصلی مفروز و مجزی شده واقع در بخش ۱۰ خریداری از مالک رسمی محرز گردیده است. لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می شود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند میتوانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند. بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد.
م الف ۱۳۹۱۲ اداره ثبت اسناد و املاک رودکی

اداره ثبت اسناد و املاک حوزه ثبت ملک یافت آباد تهران
هیات موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی
آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آئین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی
برابر رای شماره ۱۴۰۴۶۰۳۰۱۰۷۸۰۰۴۰۱۲ مورخ ۱۴۰۴.۵.۲۸ هیات موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک یافت آباد تهران تصرفات مالکانه بلامعارض متقاضی آقای رستم محمودیان فرزند رشید علی بشماره شناسنامه ۱۴۱۰ صادره از هریس در ششدانگ یک قطعه زمین با بنای احداثی در آن به مساحت ۶۲.۸۶ متر مربع پلاک ۵۸۳۱ فرعی از ۲ اصلی واقع در بخش ۱۲ تهران خریداری از مالک رسمی آقای سیف اله رضائی منش محرز گردیده است. لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می شود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند میتوانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند. بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد.
م الف ۱۳۹۱۰ اداره ثبت اسناد و املاک یافت آباد تهران

اداره ثبت اسناد و املاک حوزه ثبت ملک رودکی تهران
هیات موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی
آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آئین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی
برابر رای شماره ۱۴۰۴۶۰۳۰۱۰۴۵۰۰۰۸۸۳ مورخه ۱۴۰۴.۰۴.۲۱ هیات موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک رودکی تهران تصرفات مالکانه بلامعارض متقاضی آقای شعبان سعدی فرزند یوسف بشماره شناسنامه ۲۴۷ صادره از دو دانگ مشاع از ششدانگ یک قطعه زمین با بنای احداثی در آن به مساحت ۵۶.۱۱ متر مربع پلاک ۲۳۹۵ اصلی مفروز و مجزی شده واقع در ۱۰ خریداری از مالک رسمی محرز گردیده است. لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می شود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند می توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند. بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد.
م الف ۱۳۹۱۴ اداره ثبت اسناد و املاک رودکی

اداره ثبت اسناد و املاک حوزه ثبت ملک رودکی تهران
هیات موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی
آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آئین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی
برابر رای شماره ۱۴۰۴۶۰۳۰۱۰۴۵۰۰۰۸۸۵ مورخه ۱۴۰۴.۰۴.۲۱ هیات موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک رودکی تهران تصرفات مالکانه بلامعارض متقاضی آقای عید علی محمدخانی غیاثوند فرزند نادعلی بشماره شناسنامه ۴۰۴ صادره از قزوین دودانگ مشاع از ششدانگ یک قطعه زمین با بنای احداثی در آن به مساحت ۵۶.۱۱ متر مربع پلاک فرعی از ۲۳۹۵ اصلی مفروز و مجزی شده واقع در بخش ۱۰ خریداری از مالک رسمی محرز گردیده است. لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی میشود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند میتوانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند. بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شدم الف ۱۳۹۱۳ اداره ثبت اسناد و املاک رودکی

پیش نویس آگهی فقدان سند مالکیت
آقای ویگن آقاجانیان وکالتا با تفویض وکالت ۱۱۲۸۳۲ مورخ ۱۴۰۲.۱۲.۲۷ دفترخانه ۸۹ تهران و ۱۱۲۸۳۱ مورخ ۱۴۰۲.۱۲.۲۷ دفتر خانه ۸۹ تهران از طرف آرینوش وارتانیان آساطوریان با وکالت GSUHQZUJEUYJ۸ مورخ ۱۳۹۹.۰۷.۱۰ و OY۲OH۶Q۹GDPV مورخ ۱۳۹۹.۰۷.۱۳ دفتر حفاظت منافع جمهوری اسلامی ایران - واشنگتن از طرف گایانه کاراپتیان و سرینه کاراپتیان با تسلیم استشهادیه گواهی شده شماره ۶۹۱۵۶و ۶۹۱۵۵ مورخ ۱۴۰۴.۰۲.۰۶ دفتر اسناد رسمی شماره ۸۹ تهران طی درخواست وارده ۱۴۰۴.۰۲.۰۷ با اعلام اینکه سند مالکیت شش دانگ یک دستگاه آپارتمان به پلاک ثبتی ۳۷۶۹ فرعی از ۳۹۹۳ اصلی ، مفروز و مجزا شده از ۵۶۵ فرعی از اصلی مذکور ، قطعه ۲ در طبقه ۰۱ و واقع در بخش ۰۳ ناحیه ۰۰ حوزه ثبت ملک ولیعصر تهران استان تهران به مساحت ۱۳۶.۲۸ متر مربع که مقدار ۸.۱۲متر مربع آن سطح بالکن است ذیل ثبت ۳۳۹۵۵ صفحه ۶۱دفتر ۳۳۵ به شماره چاپی ۷۷۰۷۵۶ به نام سرکیس کاراپتیان ثبت و صادر گردیده است سپس تمامی شش دانگ برابر سند انتقال قطعی ۸۱۶۵ مورخ ۱۳۹۳.۰۷.۰۱ دفترخانه ۹۵۹ تهران آسدخیک مسیحی خانی نیان منتقل گردیده است که به نام اسدخیک مسیحی خانی نیان با جز سهم ۶ از کل سهم ۶ بعنوان مالک شش دانگ عرصه و اعیان با شماره مستند مالکیت ۸۱۶۵ تاریخ ۱۳۹۳.۰۷.۰۱ دفترخانه اسناد رسمی شماره ۹۵۹ شهر تهران استان تهران موضوع سند مالکیت اصلی بشماره چاپی ۷۷۰۷۵۶ سری - سال - که در صفحه ۶۱ دفتر املاک جلد ۳۳۵ ذیل شماره ۴۳۹۵۵ ثبت و صادر گردیده است و سپس برابر گواهی حصر وراثت با شماره دادنامه ۱۴۰۰۹۱۳۹۰۰۰۰۹۳۵۹۳۶ مجتمع شماره ۶ شورای حل اختلاف استان تهران آسدخیک مسیحی خانی نیان فوت نموده که ورثه حین الفوت ایشان عبارتند از گایانه کاراپتیان و سرینه کاراپتیان (فرزندان)می باشند بعلت مفقود شدن سند مالکیت در اثر جابجایی، تقاضای صدور المثنی سند مالکیت پلاک مذکور را نموده است که در اجرای ماده ۱۲۰ آئین نامه قانون ثبت اصلاحی ۸۰/۱۱/۰۸ مراتب در یک نوبت آگهی میشود تا چنانچه شخص یا اشخاصی مدعی انجام معامله نسبت به ملک مرقوم یا وجود سند مالکیت نزد خود باشند ظرف مدت ۱۰ روز پس از انتشار این آگهی اعتراض خود را ضمن ارائه اصل سند مالکیت یا سند معامله به این اداره تسلیم و رسید دریافت نمایند بدیهی است در صورت انقضاء مهلت مقرر و عدم وصول اعتراض و یا در صورت اعتراض اصل سند مالکیت یا سند معامله ارائه نگردد طبق مقررات المثنی سند مالکیت صادر و تسلیم خواهد.م الف ۱۴۳۰۳ اداره ثبت اسناد و املاک ولیعصر(عج) (تهران)

آگهی فقدان سند مالکیت
ششدانگ یک قطعه آپارتمان وضعیت خاص طلق با کاربری مسکونی به پلاک ثبتی ۶۶۷۳۱ فرعی از ۱۱۶ اصلی ، مفروز و مجزا شده از ۲۲۷۸۸ فرعی از اصلی مذکور ، قطعه ۲ در طبقه ۱ و واقع در بخش ۱۱ ناحیه ۰۱ حوزه ثبت ملک سعادت آباد تهران استان تهران به مساحت ۱۱۳.۲۴ متر مربع متن ملک که ۵.۲۲ متر مربع آن بالکن است بانضمام انباری قطعه ۱ به مساحت ۱۳.۲۵ متر مربع بنام مصطفی مرادی فرزند ابراهیم شماره شناسنامه ۲۰۲۰ تاریخ تولد ۱۳۳۵.۱۰.۰۶ صادره از تهران دارای شماره ملی ۰۰۵۰۲۲۹۴۱۹ با جز سهم ۶ از کل سهم ۶ بعنوان مالک شش دانگ عرصه و اعیان با شماره مستند مالکیت ۱۱۱۶۳ تاریخ ۱۴۰۱.۰۶.۱۵ دفترخانه اسناد شماره رسمی ۹۸۲ شهر تهران استان تهران موضوع سند مالکیت اصلی بشماره چاپی ۱۰۶۸۲۹ سری ه سال ۰۰ با شماره دفتر الکترونیکی ۱۴۰۱۲۰۳۰۱۱۴۵۰۱۱۷۹۹ ثبت گردیده است. به موجب دادنامه حصر وراثت ۱۴۰۳۹۱۳۹۰۰۱۴۲۲۶۸۲۵-۱۴۰۳.۸.۲۷ شعبه ۵۹مجتمع شماره دو شورای حل اختلاف فوت و وراث حین الفوتش عبارتند از فاطمه مرادی ،آقای سید مجتبی شکریان وکیل مالک به موجب وکالتنامه ۵۶۴۷۰ - ۱۴۰۴.۳.۷ دفتر ۳۴۸ تهران با ارائه دو برگ استشهاد شهود به شماره ۲۲۲۱۷- ۱۴۰۴.۳.۲۰ دفتر ۲۴۸ اعلام نموده سند مالکیت به علت جابجائی مفقود گردیده و درخواست صدور سند مالکیت المثنی نموده است لذا مراتب باستناد تبصره یک اصلاحی مورخه ۷۲/۹/۲ ماده ۱۲۰ آئین نامه قانون ثبت در یک نوبت آگهی می شود تا چنانچه کسی مدعی انجام معامله نسبت به ملک مرقوم غ